



تاریخچه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۳۰

فصلنامه علمی پژوهشی آفاق فقهات

دوره سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴، ص ۸۲ تا ۹۹



واکاوی فقهی حکم تکلیفی تغذیه دام و طیور با پودر گوشت؛ با تأکید بر استحاله و تنقیح مناط در فقه امامیه

احمدرضا افضلی  دانشجوی دکتری دانشگاه علوم اسلامی رضوی

aahhmmaadd6@iran.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تأمین سلامت جامعه در گرو طهارت غذاست که زیربنای رشد جسمی و روحی انسان را شکل می‌دهد. صنعت دامپروری برای کاهش هزینه‌ها و وابستگی به واردات، از پودر گوشت به‌عنوان مکملی پروتئینی استفاده کرده است. این نوشتار با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی، در پی پاسخ به این پرسش است که حکم تکلیفی خوراندن این ماده (که غالباً از اجزای نجس یا متنجس تشکیل شده است) به حیوان حلال‌گوشت از منظر فقه امامیه چیست؟ یافته‌ها نشان می‌دهد فرایندهای رایج تولید پودر گوشت صرفاً تغییر حالت فیزیکی ایجاد کرده و مصداق استحاله فقهی نیست؛ ازاین‌رو، در فرض نجاست منشأ، پودر گوشت همچنان نجس باقی می‌ماند. در مرحله تنقیح مناط، ادله ناهی از خوراندن بول و خمر، به‌دلیل فقدان نهی تکلیفی، تفاوت ماهوی و عدم نص معتبر، قابل تعمیم به پودر گوشت نیستند. نوآوری مقاله، اثبات عدم قابلیت تنقیح مناط از ادله بول و خمر و تفکیک حکم پودر گوشت بر اساس منشأ (خوکی/غیرخوکی) است. روایت ابوبصیر (ما لایحل للمسلم) نیز، به‌دلیل ضعف سندی، تنها در صورت پذیرش قاعده تسامح بر کراهت تغذیه دلالت دارد. اما در پودر گوشت با منشأ خوکی، با استناد به مناط اشتداد لحم و عظم مستفاد از روایات لبن خنزیر، حکم حرمت تکلیفی خوراندن و حرمت وضعی گوشت و نسل حیوان ثابت می‌گردد. همچنین، عنوان جلال بر تغذیه از پودرهای کشتارگاهی صدق نمی‌کند؛ زیرا این پودرها مصداق عذره (مدفوع انسان) نیستند. کلیدواژه: پودر گوشت، تغذیه دام و طیور، فقه امامیه، استحاله، نجاسات.

مقدمه

از منظر فقهی، تأمین امنیت غذایی و نظارت بر سلامت تغذیه از وظایف حاکمیت است (صفائی، ۱۴۰۲)؛ چه اینکه حلال‌خواری و طهارت لقمه با سلامت جسم و روح پیوند دارد (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۸۹). امروزه برای کاهش هزینه خوراک دام، از پودر گوشت حاصل از فراوری گاو، گوسفند، شتر و حتی خوک استفاده می‌شود. این محصول تا ۱۵٪ جیره را شامل شده و بر گوشت، شیر و تخم‌مرغ اثر می‌گذارد (آستیک و همکاران، ۱۹۹۰، ص ۱۷۸). با توجه به ورود این فراورده‌ها از غرب و احتمال نجاست در فرایند تولید، واکاوی حکم تکلیفی تغذیه آن، به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در فقه معاصر بدل شده است.

تغذیه حلال، زیربنای سلامت جامعه است. صنعت مرغداری با وابستگی به واردات، در برابر نوسانات جهانی آسیب‌پذیر است؛ ازاین‌رو، تولید جایگزین‌های داخلی، مانند پودر گوشت، اهمیتی راهبردی یافته است (نبی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳، صص ۲۷۳-۲۸۰).

پودر گوشت رایج غالباً از اجزای حیوانات نجس‌العین، مردار یا ضایعات آغشته به خون فراوری می‌شود و در زمرة اعیان نجس یا متنجس قرار می‌گیرد. خوردن خون و میتة در قرآن (مائده، ۳) حرام است و روایت ابوبصیر بر کراهت یا حرمت اطعام محرمات دلالت دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵، ص ۳۰۹)؛ ازاین‌رو، تصور اولیه بر عدم جواز تغذیه عمدی است. افزون بر این، قاعده دفع ضرر، احتمال سرایت نجاست به گوشت، شیر و تخم‌مرغ را تقویت می‌کند. با وجود خلأ پژوهشی در شناخت ماهیت این ماده، تعیین حکم تکلیفی و وضعی آن ضروری می‌نماید.

هدف پژوهش، تبیین حکم فقهی تغذیه دام و طیور با پودر گوشت است؛ ازاین‌رو، موضوع‌شناسی منشأ، فراوری صنعتی و ماندگاری آن در جیره، و نیز رصد مسیر کشتارگاه تا دامداری برای استخراج حکم شرعی و پاسخ به دغدغه‌های تغذیه سالم و حقوق بشر، مدنظر است. پرسش اصلی آن است که حکم فقهی این استفاده از منظر امامیه چیست؟ برای پاسخ، ماهیت، فرایند تولید و عناصر پودر گوشت بررسی می‌شود. فرضیه نخست آن است که فرایندهای حرارتی و صنعتی، تغییر ماهیت عرفی و فیزیکی داده و مصداق استحاله‌اند؛ فرضیه دوم اینکه با اثبات استحاله و زوال عنوان نجاسات، تغذیه آن جایز خواهد بود.

این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی، با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی، سامان یافته است.

مقاله حاضر از سه جهت بدیع است: نخست، موضوع‌شناسی دقیق فرایند صنعتی تولید پودر گوشت با مشاهدات میدانی از کشتارگاه‌ها که برای نخستین بار در فقه، جزئیات مؤثر در استحاله (دما، مدت، روش حذف آب) را گزارش می‌کند. دوم، نقد استحاله با تکیه بر معیار «انعدام کامل ماده» که نشان می‌دهد فرایند صرفاً فیزیکی و موجب بقای نجاست است؛ یافته‌ای ناهمسو با دیدگاه طهارت مطلق فراورده‌های صنعتی. سوم و مهم‌تر، بررسی تنقیح مناط از ادله ثلاث و اثبات عدم‌قابلیت سرایت حکم آن‌ها به پودر گوشت غیرخوکی. این دستاورد،

برخلاف برداشت برخی فقها، نشان می‌دهد ادله ناهی از جهت سند و دلالت قابل تعمیم نیستند و حکم حرمت تنها در پودرهای خوکی (با تنقیح مناط از لبن خنزیر) ثابت می‌شود. این تفکیک، پیش‌فرض‌های رایج را به چالش کشیده و افقی نو در فقه نهاده‌های دامی می‌گشاید.

بررسی منابع نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش مستقلی که جامعاً مسئله تغذیه پودر گوشت به دام و طیور را از منظر فقه امامیه واکاوی کند، نگاشته نشده است. با این حال، برخی آثار در این زمینه مفیدند: در حوزه فقهی، مقاله «امکان‌سنجی فقهی تولید فراورده‌های حلال از اجزای حرام» (اختراعی طوسی و ناصری مقدم)، با تحلیل قاعده «اذا حرم الله شیئاً حرم ثمنه»، و مقاله «تأثیر استحاله در تطهیر اشیای نجس» (ضیائی و شافعی‌پور)، با تبیین معیارهای استحاله، به‌عنوان مبانی نظری مرتبط، بستر مناسبی فراهم می‌آورند. در موضوع‌شناسی نیز کتاب «تولید و پرورش مرغ» (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی) و مقالات صفری و همکاران (۱۴۰۰) و دانش مسگران و همکاران، اطلاعات ارزشمندی درباره ترکیب و ویژگی‌های فیزیکوشیمیایی پودر گوشت ارائه می‌دهند. با وجود این، هیچ‌یک به‌طور جامع به تحلیل ماهیت و احکام تکلیفی و وضعی این فراورده نپرداخته‌اند و این نوشتار درصدد پر کردن همین خلأ است.

۱. مفهوم‌شناسی

تبیین مفاهیم کلیدی ضروری است. تعریف دقیق «پودر گوشت»، ویژگی‌ها و چالش‌های آن، سپس مفاهیم «دام و طیور» و «واحدهای پرورشی صنعتی»، و نیز مفاهیم فقهی مانند «استحاله» به‌عنوان مبانی حکم شرعی، مقدمه‌ای برای مباحث تفصیلی است.

۱.۱. مفهوم پودر گوشت

پودر گوشت فراورده‌ای جانبی از خشک‌کردن و آسیاب گوشت حیوانات حلال گوشت (گاو، گوسفند، شتر) یا غیرحلال (خوک) است و معادل انگلیسی آن Meat Meal و عربی آن دقیق اللحم نامیده می‌شود. گاهی با پودر استخوان ترکیب شده و Meat and Bone Meal یا MBM خوانده می‌شود. این ماده از خردکردن، خشک‌کردن و حرارت‌دادن ضایعات کشتارگاهی شامل ضمائم قرمز (کبد، قلب، کلیه، سر)، ضمائم سفید (شش‌ها، دست‌ها، پاها) و سایر پسماندها (خون، استخوان، شاخ، سم) به‌دست می‌آید (محمودزاده، ۱۳۹۴، ص ۷۷). بر اساس میزان استخوان، به سه نوع پراستخوان (۴۵٪ پروتئین)، کم‌استخوان (۵۰٪) و بی‌استخوان (۵۳-۵۵٪) تقسیم می‌شود. پودر ماهی نیز از بقایای کارخانجات کنسروسازی تولید می‌شود و با پروتئین ۴۵-۶۰٪، اسیدهای آمینه ضروری، مواد معدنی، انرژی بالا و قابلیت هضم خوب، مکملی مقرون‌به‌صرفه در جیره است (همان؛ سازمان پژوهش، ۱۴۰۳، ص ۱۶۷). با این حال، ضایعات مرغ در کشتارگاه‌ها اغلب غیربهداشتی و با مؤلفه‌های فساد بالا، ماندگاری پایینی دارند (صفری و همکاران، ۱۴۰۰). از سوی دیگر، وابستگی شدید صنعت مرغداری به واردات، ضرورت استفاده از جایگزین‌های داخلی مانند پودر گوشت را راهبردی ساخته است (نبی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳، ج ۳۶، صص ۲۷۳-۲۸۰). پودر گوشت، علی‌رغم مزایای اقتصادی و تغذیه‌ای، نیازمند مدیریت جامع از نظر ابعاد بهداشتی، شرعی و زیست‌محیطی است؛ چراکه فرایند تولید در برخی کشتارگاه‌ها با رعایت ناقص استانداردها همراه

بوده و کیفیت نهایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ازاین‌رو، شناخت دقیق ماهیت و فرایند تولید آن، پیش‌نیاز هرگونه داوری فقهی درباره حلیت یا حرمت استفاده از آن در جیره دام و طیور به‌شمار می‌رود.

۲.۱. مفهوم جلال

«جلال» در لغت به حیوانی گفته می‌شود که از «عذره» (مدفوع انسان) تغذیه می‌کند (ابن‌منظور، ج ۱۱، ص ۱۱۹). در اصطلاح فقهی، به حیوان حلال‌گوشتی اطلاق می‌شود که به خوردن عذره انسان عادت کرده و این تغذیه، بخشی از غذای غالب او باشد (محقق حلی، ج ۳، ص ۱۷۰؛ شهید ثانی، ج ۷، ص ۲۹۰). فقهای امامیه بر تغذیه از عذره انسان تأکید دارند و آن را از سایر نجاسات جدا می‌دانند. امام خمینی جلال را حیوانی می‌داند که عرفاً تغذیه از عذره، غذای او شمرده شود (تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۷۰). کاشف‌الغطاء نیز تحقق آن را منحصر به عذره انسان دانسته است (کشف‌الغطاء، ص ۱۷۲). بر اساس روایات، استبراء برای حیوان جلال، جهت تطهیر گوشت و فراورده‌هایش، ضروری است (کلینی، ج ۶، ص ۲۵۰). بنابراین، مفهوم جلال ناظر به تأثیر تغذیه از نجاسات بر حلیت و حرمت فراورده‌های حیوانی است و با تغذیه از پودرهای کشتارگاهی که ممکن است نجس باشند، ارتباط مستقیم دارد.

۳.۱. مراد از دام و طیور

مقصود از «دام و طیور» حیوانات اهلی پرورشی صنعتی حلال‌گوشت‌اند که برای تولید گوشت، شیر، تخم‌مرغ و پشم نگهداری می‌شوند. دام شامل گاو، گوسفند، بز و شتر با جیره استاندارد است (آبیاری، ۱۴۰۱، صص ۲۳-۲۶) و طیور شامل مرغ، بوقلمون، شترمرغ و بلدرچین با تغذیه کنسانتره‌ای (ایران‌پور، ۱۳۹۷، صص ۲۴-۴۰). حیوانات وحشی، سنتی و غیرحلال خارج‌اند. صنعت طیور با رتبه دوم سرمایه‌گذاری، تأمین بیش از ۶۰٪ پروتئین حیوانی و تولید ۲/۷ میلیون تن گوشت در ۱۳۹۸، رتبه هشتم جهانی و سرانه ۳۲ کیلوگرم دارد (صفری و همکاران، ۱۴۰۰).

۴.۱. مراد از واحدهای پرورشی صنعتی

واحدهای صنعتی پرورش دام و طیور با روش‌های علمی، امنیت غذایی و تولید انبوه گوشت، شیر و تخم‌مرغ را تأمین می‌کنند (آبیاری، ۱۴۰۱، صص ۶۰-۶۳). این واحدها شامل بخش‌های پرورش، تغذیه، بهداشت و فراوری هستند و ویژگی‌هایی چون تراکم بالا، کنترل محیط و تغذیه هدفمند دارند. هدف اصلی کاهش هزینه و افزایش کیفیت است. در این پژوهش، آنچه اهمیت فقهی دارد، تغذیه عمدی و مستمر دام و طیور با پودر گوشت است که تحقق موضوعاتی چون استحاله، اشتداد و جلال را فراهم می‌آورد.

۲. روش تولید پودر گوشت

تولید پودر گوشت با جمع‌آوری ضایعات کشتارگاهی (گوشت، استخوان، خون، احشا) آغاز و با خشک‌سازی، آسیاب و بسته‌بندی پایان می‌یابد. مواد اولیه در ایران از گاو، گوسفند، بز و شتر تأمین می‌شود، اما در برخی کشورها از خوک و شترمرغ نیز استفاده می‌گردد. بر اساس مشاهدات میدانی، فرایند در مخازن دوجداره با حرارت غیرمستقیم بخار آب (تا ۱۸۰ درجه)



به مدت حدود ۷ ساعت انجام شده و صرفاً به تبخیر آب می‌انجامد. اگرچه این دما موجب دناتوراسیون پروتئین‌ها می‌شود، اما جوهر و ماهیت ماده دگرگون نمی‌گردد. سپس محصول الک، سرد و آسیاب می‌شود. در برخی موارد، استفاده از جنین مرده و بیضه‌ها، برخلاف استانداردهای بین‌المللی (مانند مقررات فراورده‌های جانبی حیوانات، UNEP, ۲۰۱۵) و بدون رعایت ضوابط، بهداشت را به مخاطره می‌اندازد. ضایعات مرغ معادل ۵/۱۶٪ وزن زنده است که ضرورت مدیریت بهداشتی را دوچندان می‌کند (صفری و همکاران، ۱۴۰۰). از منظر فقهی، عدم تحول ماهوی و باقی ماندن اجزای اصلی، مبنای نفی استحاله و اثبات بقای نجاست است.

۳. بررسی استحاله در فرایند تولید پودر گوشت

تبدل در موضوعات احکام شرعی، از پویاترین مباحث فقهی است که خروج شیء از «نجس» و ورود به عنوانی جدید را تبیین می‌کند. احکام تابع موضوعات‌اند و با تبدیل ماهوی، حکم سابق زایل و حکم جدید حادث می‌شود (حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۸۰؛ کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۳۴). در دامپروری معاصر، پودر گوشت ارزان‌قیمت چالش‌های فقهی برانگیخته است. از آنجاکه غالباً نجس یا منتجس‌اند، پرسش اساسی آن است که آیا فرایندهای صنعتی مصداق استحاله و موجب طهارت‌اند؟ این نوشتار به تبیین مفهوم و نقد معیارهای آن می‌پردازد. درک صحیح از استحاله در تعیین طهارت و حلیت مواد صنعتی نقشی محوری دارد (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۱، صص ۵۷-۵۸) و اهمیت آن در ابوابی چون اطعمه، صلات و غصب آشکار است (حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۱۳۹؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۱۴).

۱.۳. ماهیت استحاله و دیدگاه‌های فقهی پیرامون مطهریت آن

استحاله در فقه، تغییر ماهوی و حقیقی ذات شیء است؛ چنان‌که محقق کرکی آن را «تغییر ماهیت ماده و دگرگونی صورت نوعیه آن» تعریف کرده است (محقق کرکی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۰۲). در این باره سه دیدگاه شکل گرفته است: مقدمانی چون شیخ طوسی و محقق حلی که استحاله را تنها در موارد منصوص (مانند تبدیل شراب به سرکه) مطهر می‌دانند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۹۹؛ حلی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۵۱)؛ متأخرانی چون علامه حلی و صاحب جواهر که آن را قاعده‌ای کلی دانسته و با تغییر ماهیت، نجاست را منتفی می‌دانند (حلی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۸۶؛ جواهر الکلام، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۲۷۸)؛ و محقق نراقی که میان نجاسات عینی و منتجسات تفصیل قائل شده و استحاله را تنها در نجاسات موجب طهارت می‌داند (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۹۴). امروزه دیدگاه دوم (مطهریت مطلق در صورت تبدل حقیقی) مشهور است (خوئی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۷۱).

۲.۳. مرجع تشخیص و معیارهای استحاله

مرجع اصلی در تشخیص استحاله «عرف» است، اما نه عرف مسامحه‌گر، بلکه عرف دقیق و خبره (خوئی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۷۶؛ امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۷۳). برای تشخیص این تحول، معیارهای مختلفی ذکر شده است:

- تغییر اسم و عنوان: اگرچه برخی تغییر اسم را کاشف از تبدل حقیقت می‌دانند (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۸۰)، بسیاری معتقدند صرف تغییر اسم (مانند تبدیل گندم نجس به آرد)،

بدون تحول در جوهر ماده، موجب استحاله نمی‌شود (میرزای قمی، ۱۳۷۵، ص ۴۵؛ شهید ثانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۵۴).

- تغییر آثار و خواص: میرزای قمی بر این باور است که اگر خواص ذاتی ماده (و نه صرفاً خواص ظاهری نظیر رنگ و بو) تغییر نکند، استحاله محقق نشده است (میرزای قمی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۴).

- تغییرات شیمیایی: برخی از صاحب‌نظران، واکنش‌های شیمیایی و تغییر در ساختار مولکولی را ضابطه استحاله می‌دانند (الهوری، ۱۹۹۵، ص ۲؛ ابوالوفاء، ۱۹۹۵، ص ۲۵)، لکن این معیار مانعیت ندارد؛ زیرا بسیاری از واکنش‌های شیمیایی (مانند پختن گوشت یا ترش شدن شیر) از نظر فقها استحاله محسوب نمی‌شوند (محسنی قندهاری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۵۶).

- انعدام و زوال ماده: این معیار برگزیده است که به معنای زوال کامل اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده ماده سابق و پیدایش ماده‌ای کاملاً مغایر است (محقق حلی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۵۲).

۳.۳. تطبیق استحاله در پودر گوشت

با تطبیق معیارهای پیش‌گفته بر تولید پودر گوشت، روشن می‌شود که استحاله رخ نداده است. فقهای معاصر عرف را مرجع تشخیص می‌دانند. سیستمی می‌فرماید تغییر حقیقت عرفی شیء نجس به شیء دیگر موجب پاکی است و تبدیل گندم به آرد را استحاله نمی‌داند؛ همچنین، در تجزیه خون، «صدق عرفی خون» را معیار دانسته است (سیستانی، ۱۴۰۳، مسائل ۲۰۹ و ۱۸۹). مکارم نیز «تغییر نام عرفی» را ملاک می‌داند (مکارم، ۱۴۰۱، مسئله ۱۸۰). با این معیار، عنوان «گوشت» از ماده اولیه زایل نشده و عنوان جدیدی بر آن صدق نمی‌کند؛ پودر گوشت در عرف همان گوشت خشک‌شده و پودر شده است، نه ماهیتی نوین. عرف خبره نیز آن را تغییر فیزیکی می‌داند. هدف تولید، تمرکز مواد مغذی است، نه ایجاد ماهیت جدید؛ ازاین‌رو، استمرار همان گوشت است (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۷۴). تغییر نام صوری است و نه تبدل حقیقی (میرزای قمی، ۱۳۷۵، ص ۴۵). این با معیار انعدام کامل هماهنگ است؛ عناصر اصلی (پروتئین، چربی، مواد معدنی) باقی‌اند و فقط غلیظ شده‌اند؛ تا اجزا باقی باشند و عنوان سابق صادق باشد، نجاست زایل نمی‌شود (حلی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۵۱؛ سیستانی، ۱۴۰۳، مسئله ۲۰۹). بنابراین، بر هر دو مبنا، استحاله رخ نداده و پودر، در صورت نجاست ماده اولیه، نجس باقی می‌ماند (خوئی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۶۸).

۴. واکاوی حکم تکلیفی تغذیه پودر گوشت با رویکرد تنقیح مناط

اسلام برای حیوانات ذی‌روح حقوقی رفیع قائل است و تأمین تغذیه سالم در صدر آن قرار دارد. امروزه پودر گوشت به‌عنوان منبع پروتئینی نوین در دامپروری، با وجود مزایای اقتصادی، چالش‌های فقهی در طهارت، نجاست و حلیت ایجاد کرده است. با اثبات عدم استحاله در فرایند تولید (بر اساس معیار انعدام کامل ماده)، این ماده همچنان وصف نجاست را حفظ کرده و مسئله مصداق «تغذیه با عین نجس یا متنجس» تلقی می‌شود. پژوهش حاضر با رویکرد اجتهادی و بهره‌گیری از تنقیح مناط، حکم خوراندن آن را بررسی می‌کند. این روش بر استخراج

علت قطعی حکم از موضوعات منصوص و تعمیم آن به موارد مشابه استوار است و حجیت آن مشروط به قطعیت مناط است؛ در غیر این صورت، از باب قیاس ممنوع و فاقد اعتبار شرعی خواهد بود (سبحانی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۸۹). از این رو، با تحلیل ادله ناهی از نجاسات منصوص، امکان تعمیم حکم آن‌ها به پودر گوشت واکاوی می‌شود تا روشن گردد که آیا شارع تغذیه دام با اعیان نجسه را جایز دانسته یا به دلیل صیانت از طهارت زنجیره غذایی، بر حرمت تکلیفی آن حکم کرده است.

۱.۴. واکاوی ادله ناهی از خوراندن «بول» به حیوان

بول از نجاسات منصوص است، اما تعمیم حکم آن به پودر گوشت ممکن نیست. شهید ثانی میان خمر و بول تفکیک کرده و مناط نهی از بول را «عدم صلاحیت برای تغذیه و عدم پذیرش طبیعت حیوان» دانسته است (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۲۹۷). صاحب جواهر این تفاوت را مناقشه کرده و حکم تکلیفی خوراندن بول را مطرح ننموده است (نجفی، ۱۴۲۱، ج ۳۶، ص ۲۸۹). امام خمینی نیز تنها به حکم وضعی گوشت و امعاء پرداخته و در شرب بول، گوشت را بدون غسل حلال دانسته است (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۷۲). بنابراین، هیچ‌یک حکم تکلیفی مستقلاً برای خوراندن بول مقرر نکرده‌اند. مهم‌ترین مستند روایی، مرسله کلینی از علی بن حسان از موسی بن اکیل است: «فِي شَاةٍ شَرِبَتْ بَوْلًا... يُغْسَلُ مَا فِي جَوْفِهَا...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۵۱). این روایت سنداً، به دلیل ارسال و حضور علی بن حسان که نجاشی او را «ضعیف جداً» و طوسی «کذاب» خوانده، اعتبار ندارد (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۵۱؛ کشی، ۱۴۰۴، ص ۷۴۸). دلالتاً نیز صرفاً در مقام حکم وضعی پس از شرب اتفاقی بول است و نهی تکلیفی از خوراندن عمدی ندارد. از این رو، استناد به آن از سه جهت باطل است: اول، روایت در مقام حکم وضعی است، نه تکلیفی؛ دوم، نهی تکلیفی در آن وجود ندارد تا محملی برای تنقیح مناط باشد؛ سوم، تفاوت ماهوی بول (مایع دفعی) و پودر گوشت (جامد پروتئینی)، احراز مناط قطعی را ناممکن می‌سازد. افزون بر ضعف سندی، تنقیح مناط از ادله بول فاقد وجهت است و حکم پودر گوشت باید از سایر ادله استنباط شود.

۲.۴. واکاوی فقهی تنقیح مناط از ادله ناهی «خمر» در موضوع پودر گوشت

پس از احراز عدم استحاله، پرسش از تنقیح مناط ادله خمر به پودر گوشت مطرح می‌شود. فقها خمر را به دلیل ویژگی‌های خاص، متفاوت از سایر نجاسات دانسته‌اند. شهید ثانی در «الروضة البهیة» علت تفاوت را «لطافت خمر و سرعت نفوذ آن در امعاء» می‌داند (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۲۹۸). صاحب جواهر نیز بر سرعت نفوذ تأکید کرده و معتقد است خمر به گونه‌ای در بافت حیوان نفوذ می‌کند که با غسل قابل تطهیر نیست و امعاء و احشا را حتی پس از غسل پاک نمی‌کند (نجفی، بی‌تا، ج ۳۶، ص ۲۸۹). امام خمینی نیز در «تحریر الوسیله»، با تفکیک میان خمر و بول، حرمت امعای حیوان شارب خمر را حتی پس از غسل باقی می‌داند؛ در حالی که در بول، پس از شرب، قائل به طهارت با غسل است (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۷۲). این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که صرف نجاست علت تامه نیست، بلکه کیفیت و سرعت تأثیر (سرعت نفوذ) در حکم دخیل است. پودر گوشت ماده‌ای جامد، فراوری شده و فاقد لطافت و خاصیت تخدیر

خمر است؛ ازاین‌رو، تفاوت ماهوی در تأثیر بر بافت حیوان با خمر دارد و تعمیم حکم آن به پودر گوشت ممکن نیست.

تحلیل سندی و دلالتی روایات ناهی از تغذیه با خمر

(الف) روایات دال بر کراهت (روایت غیاث بن ابراهیم)

دو روایت با سند معتبر در «الکافی» و «تهذیب الاحکام» از امام صادق (ع) نقل شده است: «إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) كَرِهَ أَنْ تُسْقَى الدَّوَابُّ الْخَمْرَ». این روایات از حیث سند معتبرند. غیاث بن ابراهیم را نجاشی و علامه حلی «ثقه» و «امامی» دانسته‌اند؛ هرچند علامه حلی در مذهب او تردید کرده، اصل وثاقت مورد اتفاق است. احمد بن محمد بن خالد برقی نیز در منابع رجالی «ثقه» معرفی شده است. بنابراین، سند هر دو روایت فاقد اشکال است. در این روایت، واژه «کره» اگرچه گاه بر حرمت دلالت دارد، اما ظهور آن در کراهت اصطلاحی قوی‌تر است (نجفی، ۱۴۲۱، ج ۲۲، ص ۴۰۹). مناط این نهی، وصف «اسکار» (مستی) و اثر تخدیری خمر است که در پودر گوشت منتفی است. قرآن کریم علت تحریم خمر را «فساد عقل» معرفی کرده است. تنقیح مناط تنها با شناسایی قطعی علت معتبر است؛ از آنجاکه «اسکار» در پودر گوشت وجود ندارد، تعمیم حکم خمر به پودر گوشت صحیح نبوده و مصداق «قیاس مع الفارق» است.

(ب) روایت نبوی در دعائم الاسلام

روایت «نَهَى أَنْ... تُسْقَى الْأَطْفَالَ وَ الْبَهَائِمَ... الْإِثْمُ عَلَى مَنْ سَقَاهَا» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۵۱). این روایت، به دلیل مرسل بودن و عدم ذکر در منابع معتبر اولیه، فاقد اعتبار سندی است. دلالت آن بر «اثم» ناظر به فعل نوشاندن مسکر (سقی) است و گناه بر شخص ساقی بار شده، نه بر ویژگی‌های مسکر به عنوان مناط قابل تعمیم. از آنجاکه روایت در مقام بیان حکم تکلیفی فعل «سقی» است، نمی‌توان از آن برای تعمیم به پودر غیر مسکر استفاده کرد.

(ج) روایت زید شحام (حکم امعا و احشا)

روایت معتبر در «تهذیب الاحکام»: «فِي شَاةٍ شَرِبَتْ خَمْرًا حَتَّى سَكِرَتْ... لَا يُؤْكَلُ مَا فِي بَطْنِهَا» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۴۳).

این روایت از سه جهت در دلالت بر مدعای تنقیح مناط ناتمام است: نخست، اختصاص حکم به فرض تحقق سکر؛ محقق نراقی تصریح کرده که روایت مختص جایی است که حیوان به اندازه‌ای خمر نوشیده که مست شده است؛ با مطلق نوشیدن خمر فاقد اسکار، محتویات شکم حرام نمی‌شود. این نشان می‌دهد مناط حکم، خود خمر نیست، بلکه تحقق اثر آن (مستی و نفوذ) است (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۱۲۶). دوم، ناظر بودن به حکم وضعی، نه تکلیفی؛ روایت در مقام بیان حکم تکلیفی «خوراندن» نیست، بلکه به حکم وضعی گوشت و امعای حیوانی پرداخته که به طور طبیعی خمر نوشیده است. ازاین‌رو، نمی‌توان از آن مناطی برای حرمت یا کراهت تکلیفی خوراندن پودر گوشت استخراج کرد. سوم، تفسیر «ما فی بطنها» به ملاقات مستقیم با خمر؛ فقها «ما فی بطنها» را به محتویات شکم (امعا، قلب و کبد) تفسیر کرده‌اند که به دلیل ملاقات مستقیم با خمر نجس می‌شوند، نه به دلیل نفوذ در تمام بافت‌های حیوان. این تفسیر



نشان می‌دهد علت حکم، نجاست عارضی ناشی از تماس مستقیم است.

از آنجاکه پودر گوشت فاقد خاصیت اسکار است و روایت در مقام بیان حکم تکلیفی خوراندن نیست و مناط آن به ملاقات مستقیم با خمر اختصاص دارد، تعمیم حکم آن به پودر گوشت فاقد وجاهت است. مذاقه در ادله خمر نشان می‌دهد مناط حکم، وصف مسکربودن (چنان‌که از قید «حتی سکر» استفاده می‌شود) و نیز لطافت و سرعت نفوذ در امعا است (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۲۹۸). پودر گوشت ماده‌ای جامد، فراوری شده و فاقد خاصیت تخدیر و لطافت خمر است؛ از این رو، علت حکم در خمر در پودر گوشت موجود نیست و تنقیح مناط باطل است. در نتیجه، این مسئله نیازمند بررسی بر اساس قواعد دیگر (مانند قاعده طهارت یا استصحاب) است.

۳.۴. واکاوی فقهی تعمیم حکم «محرّمات مأكول» به پودر گوشت بر پایه قاعده

تسامح

برای استنباط حکم پودر گوشت، می‌توان به ادله‌ای تمسک کرد که از اطعام محرمات به حیوانات نهی کرده‌اند. عمده‌ترین مستند، روایت ابوبصیر از امام صادق (ع) در «وسائل الشیعه» است که از خوراندن «ما لا یحل للمسلم أکله أو شربه» به چهارپایان سؤال می‌کند و امام می‌فرماید: «نعم، یکره ذلک» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵، ص ۳۰۹). واژه «ما لا یحل» شامل پودر گوشت نجس نیز می‌شود و بر کراهت تغذیه دلالت دارد.

اما اعتبار سندی این روایت، به دلیل حضور راویان غیر موثق و غالی، مخدوش است: ابی‌عبدالله الرازی (محمد بن عبدالله) که علامه حلی و ابن‌غضائری او را تضعیف و به غلو متهم کرده‌اند (حلی، ۱۴۱۷، ص ۲۶۸؛ ابن‌غضائری، ۱۳۸۰، ص ۹۷). حسن بن علی بن ابی‌حمزه بطنانی که از سران واقفیه و به «کذاب» و «ضعیف جداً» توصیف شده است (کشی، ۱۴۰۴، ص ۸۲۷؛ نجاشی، ص ۳۶). در مقابل، برای اعتبار روایات وی و جوهی ذکر شده است: نقل توسط مشایخ ثقات و اصحاب اجماع؛ تفصیل خویی میان روایات پیش و پس از وقف؛ و عمل فقها به برخی روایاتش در کتب اربعه. علی بن ابی‌حمزه بطنانی (پدر) نیز ملعون و ضعیف شمرده شده است (حلی، ۱۴۱۷، ص ۲۳۱)؛ هرچند جوهی برای اعتبار روایات وی (مانند وثاقت در نقل پس از وقف، تفصیل خویی و نقل توسط مشایخ ثقات) ارائه شده است.

با این انحطاط سندی و اختلاف در وثاقت راویان، روایت از منظر قواعد خبر واحد فاقد حجیت قطعی است و تنها در صورت پذیرش قاعده تسامح در ادله سنن می‌تواند مبنای حکم قرار گیرد. در فرض پذیرش، بر کراهت تغذیه دلالت دارد و در فرض عدم پذیرش، باید به اصول عملیه رجوع کرد.

کار بست قاعده تسامح در ادله سنن

قاعده تسامح به معنای تساهل در پذیرش روایات ضعیف در باب مستحبات و مکروهات است. برآیند این مبحث در دو فرض قابل تبیین است:

۱. در فرض پذیرش قاعده تسامح (قول مشهور): روایت ابوبصیر، با وجود ضعف سند، به دلیل دلالت بر کراهت، قابلیت استناد می‌یابد. از آنجا که پودر گوشت مشمول عنوان «ما لا یحل للمسلم» است، حکم به کراهت اصطلاحی در تغذیه دام با این ماده صادر می‌شود.
۲. در فرض عدم پذیرش قاعده تسامح: به دلیل ضعف مفرط سندی و فقدان دلیل معتبر دیگر، روایت از حجیت ساقط گشته و هیچ دلیلی بر کراهت یا حرمت از این منظر وجود نخواهد داشت؛ لذا باید به اصول عملیه رجوع کرد.

۴.۴. واکاوی فقهی تعمیم حکم «لبن خنزیر» به پودر گوشت با رویکرد تنقیح مناط

برخی پودرهای گوشت مورد استفاده در صنعت دامپروری، منشأ خوکی دارند. با توجه به ادله خاص درباره حیوانات تغذیه شده از شیر خوک، این پرسش مطرح است که آیا مناط حکم «لبن خنزیر» قابل احراز و تعمیم به پودرهای دیگر اجزای خوک است؟

نکته اصولی آنکه احکام تغذیه از لبن خنزیر، عمدتاً از جنس حکم وضعی (ناظر به طهارت یا حرمت گوشت، شیر و نسل حیوان) هستند و مستقیماً به حکم تکلیفی خوراندن تعرض ندارند. با این حال، تحلیل مناط این احکام وضعی که در روایات به «اشتداد لحم و عظم» تعلیل شده، می‌تواند مبنایی برای تنقیح مناط در حکم تکلیفی خوراندن پودرهای خوکی قرار گیرد. به بیان دیگر، اگر تغذیه از ماده‌ای حرام و نجس (مانند شیر خوک) موجب رویش و استحکام بافت‌های حیوان شود، این تأثیرگذاری، ملاکی برای تعیین حکم تکلیفی خوراندن و همچنین حکم وضعی گوشت و نسل است. از این رو، با تحلیل ادله لبن خنزیر، مناط قطعی این احکام استخراج و به پودرهای خوکی (که عصاره و عین اجزای حرام خوک‌اند) تعمیم داده می‌شود.

۴.۴.۱. واکاوی آرای فقه‌ای امامیه

برای شناسایی مناط تأثیرگذاری تغذیه بر حرمت فراورده‌های حیوانی، دیدگاه‌های فقه‌ای امامیه درباره حیوان تغذیه شده از شیر خوک تأمل برانگیز است. گرچه این احکام ناظر به حکم وضعی گوشت و نسل‌اند و نمی‌توان مستقیماً به حکم تکلیفی خوراندن تعمیم داد، تحلیل مناط آن‌ها ملاک «اشتداد لحم و عظم» را به عنوان معیار کلیدی آشکار می‌سازد. تحلیل آرای فقها نشان‌دهنده تفکیک میان «تغذیه گذرا» و «تغذیه منتهی به رشد» است: صاحب جواهر در «جواهر الکلام» (بی تا، ج ۳۶، ص ۲۸۲) میان دو حالت تفکیک کرده است؛ در صورت عدم اشتداد، حکم به کراهت و استحباب استبراء داده و در صورت اشتداد، به حرمت ابدی گوشت و نسل فتوا داده و مدعی اجماع است. شهید ثانی در «الروضه البهیة» (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۲۹۳) بر خصوصیت خوک تأکید کرده و به دلیل پابندی به اصل اباحه، تسری حکم به سایر محرمات را منوط به احراز مناط قطعی دانسته است. امام خمینی در «تحریر الوسیله» (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۷۲) اشتداد ناشی از لبن خنزیر را موجب حرمت قطعی گوشت، نسل و حتی شیر حیوان دانسته است. با بررسی این دیدگاه‌ها، مناط اصلی حرمت، «اشتداد لحم و عظم»، یعنی رویش و استحکام گوشت و استخوان از ماده حرام است. این ملاک، هر چند در مقام حکم وضعی شناسایی شده، می‌تواند در تعیین حکم تکلیفی خوراندن نیز به عنوان قرینه و مؤید مورد توجه قرار گیرد.

۲.۴.۴. تحلیل سندی و دلالتی روایات کلیدی

در این باب، روایات متعدد مناط حکم را روشن می‌سازند:

موثقه حنان بن سدير (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۹، ص ۴۴): از امام صادق (ع) درباره بزغاله‌ای که از شیر خوک تغذیه کرده تا استخوانش محکم شده، سؤال شد. امام فرمود: «آنچه از نسل او را می‌شناسی، به آن نزدیک نشو (حرام است)». این روایت «موثقه» است؛ زیرا حنان بن سدير که از روایان آن است، در وثاقتش اختلاف است. شیخ طوسی در «الفهرست» او را «ثقه» و «امامی صحیح المذهب» دانسته است (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۶۴)، اما علامه حلی در «خلاصة الاقوال» درباره او توقف کرده است (حلی، ۱۴۰۲، ص ۲۱۸). باین حال، وثاقت وی از سوی برخی رجالیان پذیرفته شده و روایت او قابل استناد است، هرچند درجه اعتبار آن از صحیح پائین‌تر است. در این روایت، عبارت «حَتَّى شَبَّ وَ اَشْتَدَّ عَظْمُهُ» به صراحت رشد و استحکام استخوان را ناشی از تغذیه با شیر خوک معرفی و حکم حرمت را بر نسل بار کرده است. این نشان می‌دهد مناط حکم، صرف تغذیه از ماده نجس و حرام نیست، بلکه تأثیرگذاری آن در تکوین جسمانی حیوان است؛ به گونه‌ای که گوشت و استخوان از ماده حرام روییده و استحکام یافته است. اگر تغذیه گذرا و بی‌تأثیر در ساختار بدنی باشد، حکم حرمت بار نمی‌شود و استبراء کافی است (چنان‌که در موثقه سکونی اشاره شده است). اما در فرض اشتداد، ماده حرام جزء لاینفک پیکر حیوان می‌گردد و شارع حرمت ابدی را بر گوشت و نسل مترتب می‌سازد. بنابراین، مناط حرمت، «اشتداد لحم و عظم» است و این معیار، مبنای تنقیح مناط به پودرهای خوکی خواهد بود که در صورت تغذیه مستمر و به حد اشتداد، همان تأثیر را در تکوین بافت‌ها دارند.

موثقه سکونی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۵۰): در خصوص بره‌ای که شیر خوک خورده، امام (ع) دستور به استبراء ۷ روزه داده‌اند. فقها این روایت را ناظر به حالتی دانسته‌اند که هنوز اشتداد حاصل نشده و راه تطهیر (استبراء) باز است.

روایات مرسل و مرفوع (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۳۴): با وجود ضعف سندی، به عنوان مؤید بر کراهت و نهی از اکل چنین حیوانی دلالت می‌کنند.

۳.۴.۴. استنباط و تنقیح مناط قطعی

برای تعمیم حکم از «شیر خوک» به «پودر گوشت با منشأ خوکی»، سه احتمال بررسی شد: تعمیم به دلیل «مطلق نجاست» (رد شد؛ زیرا در سایر نجاسات چنین حکم شدیدی نداریم)؛ تعمیم به دلیل «مطلق شیر محرمات» (رد شد؛ زیرا ادله بر خصوصیت خوک تأکید دارند)؛ و تعمیم به دلیل «تأثیر در اشتداد از منشأ خوک» که پذیرفته شد. مناط قطعی در حرمت لبن خنزیر، «تأثیرگذاری ماده نجس العین و حرام ذاتی در شکل‌گیری بافت‌های اصلی بدن (گوشت و استخوان)» است.

اگر تغذیه از شیر خوک (که محصول فرعی است) موجب حرمت ابدی حیوان و نسل او شود، تغذیه با پودر گوشت با منشأ خوکی که عصاره و عین اجزای حرام ذاتی اوست، به طریق اولی موجب حرمت خواهد بود؛ زیرا پودر گوشت تأثیر قوی‌تری در اشتداد نسبت به شیر دارد.

روایات لبن خنزیر، اگرچه در مقام بیان حکم وضعی گوشت و نسل صادر شده‌اند، از جهت کشف منای (اشتداد) قابل استفاده‌اند. بر این اساس، با تنقیح منای، حکم حرمت تغذیه با لبن خنزیر (در صورت اشتداد) به پودرهای خوکی تعمیم می‌یابد. این حکم، افزون بر حرمت وضعی (گوشت و نسل)، شامل حرمت تکلیفی خوراندن نیز می‌شود؛ زیرا منای مستفاد (تأثیرگذاری ماده حرام در اشتداد) در پودرهای خوکی به طریق اولی وجود دارد و ادله عامه، مانند روایت ابوبصیر، نیز بر کراهت یا حرمت اطعام محرّمات دلالت دارند.

نصوص معتبر فقهی از خوردن گوشت حیوانی که از شیر خوک تغذیه کرده و به حد اشتداد رسیده، نهی کرده و در صورت عدم اشتداد، استبراء یا کراهت را کافی دانسته‌اند. از منظر عرف، میان شیر (ترشح فرعی) و گوشت و استخوان (اجزای اصلی و عین حیوان) اولویت قطعی برقرار است. اگر شارع تغذیه از شیر خوک را که در مرتبه‌ای نازل‌تر قرار دارد، موجب حرمت مصرف می‌داند، به طریق اولی تغذیه مستقیم از پودر گوشت، خون و استخوان خوک که حقیقت حیوان را تشکیل می‌دهند، مشمول تحریم خواهد بود. این اولویت از نوع تنقیح منای قطعی است؛ زیرا با استخراج منای «اشتداد لحم و عظم» از روایات لبن خنزیر، حکم به پودرهای خوکی تعمیم داده می‌شود و نیازی به الغای خصوصیت نیست؛ بلکه موضوع مورد بحث، به دلیل تأثیر قوی‌تر در اشتداد، به طریق اولی مشمول حکم حرمت قرار می‌گیرد. بنابراین، با استناد به قاعده تنقیح منای، حکم حرمت تغذیه با لبن خنزیر (در صورت اشتداد) به پودرهای حیوانی با منشأ خوکی تعمیم می‌یابد و این حکم هم شامل حرمت تکلیفی (خوراندن) و هم حرمت وضعی (گوشت و نسل حیوان) می‌شود.

۵. بررسی شمول عنوان ثانوی جلال بر تغذیه از پودر گوشت نجس

پس از اثبات عدم استحاله و بقای نجاست در پودر گوشت و بررسی حکم تکلیفی اطعام به نجاسات، واکاوی عنوان ثانوی «جلال» ضروری است؛ چه بسا تغذیه مستمر دام از پودر نجس، موجب صدق «حیوان جلال» و حکم حرمت اطعام (به جهت تسبیب در جلال) شود. از این رو، بررسی حدود این عنوان در پیوند با موضوع، الزامی است.

۱.۵. واکاوی لغوی و روایی عنوان جلال

بر اساس کتب لغت، واژه «جلال» به حیوانی اطلاق می‌شود که از «عذره» (مدفوع انسان) تغذیه می‌کند. ابن منظور (ج ۱۱، ص ۱۱۹)، حمیری (ج ۲، ص ۹۳۹)، فراهیدی (ج ۶، ص ۱۸)، صاحب بن عباد (ج ۶، ص ۴۰۶) و زبیدی (ج ۱۴، ص ۱۱۴) همگی بر این معنا تأکید دارند و تصریح کرده‌اند که نهی از گوشت جلاله به دلیل عذره‌خواری است.

در روایات نیز عذره‌خواری محوریت دارد؛ چنان‌که در صحیح‌ه هشام بن سالم از امام صادق (ع) آمده است: «لَا تَأْكُلُوا لُحُومَ الْجَلَالَاتِ وَ هِيَ الَّتِي تَأْكُلُ الْعَذِرَةَ» (کلینی، ج ۶، ص ۲۵۰). روایت دعائم الاسلام نیز جلاله را حیوانی معرفی کرده که در مزبله‌ها عذره می‌خورد (مجلسی، ج ۶۲، ص ۲۴۶). شواهد روایی دیگر، مانند صحیح‌ه عبدالرحمن بن ابی عبدالله و روایت موسی بن اکیل، نیز نشان می‌دهد که «عذره» در معنای حقیقی خود، فقط بر مدفوع انسان

اطلاق می‌شود و تغذیه از سایر نجاسات، خروج تخصصی از این عنوان است.

۲.۵. دیدگاه فقهای امامیه و تبیین نسبت آن با پودر گوشت

مشهور فقهای امامیه عنوان جلال را منحصر به عذره خواری (مدفوع انسان) دانسته‌اند (محقق حلی، ج ۳، ص ۱۷۰؛ شهید ثانی، ج ۷، ص ۲۹۰؛ امام خمینی، ج ۲، ص ۱۷۰؛ کاشف الغطاء، ص ۱۷۲؛ حکیم، ج ۲، ص ۱۳۳). هرچند ابوصلاح حلبی جلال را به مطلق نجاسات تعمیم داده است (ابوالصلاح حلبی، ص ۲۷۷)، با توجه به ادله لغوی و روایی که عذره را فقط مدفوع انسان می‌دانند، حتی بر مبنای ابوصلاح حلبی نیز پودرهای کشتارگاهی (خون، گوشت و استخوان) از شمول جلال خارج‌اند؛ زیرا مصداق عذره نیستند. ازاین‌رو، احکام جلال بر حیوانات تغذیه‌شده با این پودرها مترتب نمی‌شود و حکم آن‌ها تابع ادله عام تغذیه از نجاسات است که پیش‌تر واکاوی شد.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با هدف تبیین حکم تغذیه دام و طیور با پودر گوشت، به یافته‌های زیر دست یافت:

- یافته اول: فرایند صنعتی تولید پودر گوشت، استحاله فقهی محسوب نمی‌شود؛ چه بر مبنای معیار عرف محور فقهای معاصر و چه بر اساس معیار «انعدام کامل ماده»، جوهر و ماهیت گوشت باقی می‌ماند و در صورت نجاست ماده اولیه، پودر حاصل نیز نجس است.
- یافته دوم: حکم تکلیفی تغذیه بر اساس منشأ تفکیک می‌شود: در منشأ غیرخوکی، تنقیح مناط از ادله بول و خمر ممکن نیست و روایت ابوبصیر صرفاً بر کراهت دلالت دارد؛ اما در منشأ خوکی، با تنقیح مناط از روایات لبن خنزیر، در صورت تحقق اشتداد لحم و عظم، خوردن و نیز گوشت و نسل حیوان، حرام ابدی می‌شود. همچنین، عنوان جلال بر تغذیه از پودرهای کشتارگاهی صدق نمی‌کند.

آثار فقهی: این تفکیک نشان می‌دهد که سرایت حکم به فراورده‌های دامی، امری مطلق نیست و عدم قابلیت تنقیح مناط از بول و خمر، الگویی نوین در روش اجتهاد برای موضوعات مستحدثه ارائه می‌دهد.

آثار تقنینی: یافته‌ها، ضرورت نظارت شرعی بر درج منشأ پودرهای وارداتی و تولید داخلی را آشکار می‌سازد و می‌تواند مبنای تدوین استانداردهای حلال در سازمان غذا و دارو و مؤسسه استاندارد قرار گیرد.

پیشنهاد برای تحقیقات آینده: پژوهش‌های تجربی برای سنجش قطعی میزان اشتداد در حیوانات تغذیه‌شده با پودر خوکی، طراحی سامانه رهگیری منشأ و بررسی تطبیقی این مسئله در مذاهب اسلامی، از جمله افق‌های پیش‌روست.

منابع

۱. آبیاری، مسعود (۱۴۰۱)، پرورش و نگهداری گاو شیری، چاپ اول، ناشر: نشر آموزش کشاورزی، تهران.
۲. ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم (بی تا)، الکافی فی الفقه، اصفهان: مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی (علیه السلام) العامة.
۳. ابوالوفاء، احمد (۱۹۹۵)، مبحث اعلامی حول الاستغناء عن المحرمات و النجاسات فی الغذاء و الدواء، کویت: بحث مقدم إلى ندوة الکویت الفقهية الطبية الثامنة.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: مؤسسه النشر الإسلامی (جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية).
۵. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۸۰)، الرجال، قم: مؤسسه علمی فرهنگي دارالحديث، سازمان چاپ و نشر.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، ناشر: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر.
۷. ایران پور، جهان شاه (۱۳۹۷)، پرورش جوجه گوستی، چاپ اول، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
۸. حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷)، العناوين الفقهية، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۹. حسینی دولت آبادی، سید محمد حسن؛ قلی زاده، مجید؛ شمس، محمد (۱۳۸۹)، تأثیر غذای حلال بر سلامت جسم روح از دیدگاه قرآن، مجموعه مقالات شانزدهمین کنگره دامپزشکی ایران، دانشگاه تهران، ص ۱.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴)، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
۱۱. حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: نشر اسماعیلیان.
۱۲. حلی، جعفر بن حسن (۱۳۶۴)، المعتبر فی شرح المختصر، قم: مؤسسه سیدالشهدا (ع).
۱۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۴. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷)، خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، قم: انتشارات مؤسسه نشر فقهت.

۱۵. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق)، شمس العلوم، دمشق: دار الفکر.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث.
۱۷. خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲)، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۱۸. حکیم، محسن (۱۳۷۴)، مستمسک العروة الوثقی، قم: دار التفسیر.
۱۹. حلی (ابن‌داود)، حسن بن علی (۱۳۴۲)، الرجال، تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲)، کتاب الطهارة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
۲۱. خویی، ابوالقاسم (۱۴۰۷ق)، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، قم: انتشارات لطفی.
۲۲. زبیدی، مرتضی (۱۳۸۵ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالهدایه.
۲۳. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۴۰۳)، تولید و پرورش مرغ، چاپ نهم، تهران: مرکز چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۲۴. سیستانی، سید علی حسینی (۱۴۰۳)، توضیح‌المسائل جامع (چاپ چهارم)، قم: دفتر حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی.
۲۵. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۸۰)، روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: بوستان کتاب.
۲۶. صاحب‌بن‌عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق)، المحیط فی اللغة، چاپ اول، بیروت: عالم‌الکتاب.
۲۷. صفائی، زینب (۱۴۰۲)، پایان‌نامه سطح ۳ «بررسی فقهی وظایف حکومت اسلامی در تأمین سلامت جامعه»، قم: مرکز آموزش‌های غیرحضوری.
۲۸. صفری، رضا؛ یعقوب‌زاده، زهرا؛ بانک‌ساز، زهرا؛ ریحانی، سهیل؛ جعفری، عبدالله؛ عباس‌زاده، محمد مهدی (۱۴۰۰)، بررسی شاخص‌های کیفی و فساد شیمیایی سیلاژ بیولوژیک تولیدشده از ضایعات مرغ و مقایسه آن با پودر گوشت، پودر خون و پودر ماهی کیلکا، مجله علوم و صنایع غذایی ایران، شماره ۱۲، صص ۲۰۳-۲۱۳.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران: مکتبه المرتضویه.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، الخلاف، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم (مؤسسه النشر الإسلامی).

۳۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵ق)، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق)، الفهرست، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.
۳۳. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰)، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية (۱۰ جلدی)، قم: انتشارات مكتبة الداوری.
۳۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
۳۵. سبحانی، جعفر (۱۴۲۶ق)، المبسوط فی أصول الفقه، قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام.
۳۶. کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۴۲۲)، تحریر المجله، قم: مجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الإسلامية، المعاونة الثقافية، مركز التحقيقات و الدراسات العلمية.
۳۷. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ق)، اختیار معرفة الرجال، قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث.
۳۸. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (بی تا)، کشف الغطاء عن مبهمات شريعة الغراء، اصفهان: مهدوی.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی (ط - الإسلامية)، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
۴۰. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۰۹ق)، رسائل المحقق کرکی، قم: مكتبة آيت الله المرعشي النجفي.
۴۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۲. محسنی، محمد آصف (۱۳۸۲)، الفقه و مسائل طيبة، قم: بوستان کتاب.
۴۳. محمودزاده، همایون (۱۳۹۴)، اصول تغذیه دام، تهران: مركز چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰)، رساله توضیح المسائل، تهران: انتشارات پیام عدالت.
۴۵. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن (۱۳۷۵)، غنائم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مكتب الإعلام الإسلامي.
۴۶. نبی زاده، علی؛ نصیری مقدم، حسن؛ افتخاری شاهرودی، فریدون (۱۳۸۳)، بررسی اثرات جایگزینی پروتئین پودر ماهی توسط پودر خون در عملکرد جوجه های گوشتی، مجله علوم کشاورزی ایران، ج ۳۶، صص ۲۷۳-۲۸۰.



۴۷. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ق)، رجال النجاشی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۴۸. نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۴۲۱ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
۴۹. نراقی، احمد بن محمد (۱۴۱۵)، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث.
۵۰. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث.
۵۱. الهواری، محمود (۱۹۹۵)، استحالة النجاسات، کویت: أعمال الندوة الفقهية الطبية الثامنة.
۵۲. یزدی، محمدکاظم (۱۴۰۹)، العروة الوثقی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۵۳. Austic RE and Nesheim MC (۱۹۹۰). Poultry Production. Lea and ۱۳th Ed. Febiger, Philadelphia, USA. p ۱۷۸.
۵۴. Miller, E. R. (۱۹۷۷). Feedstuff, ۱۹۷۷/۰۴/۱۸, p. ۲۲.
۵۵. Jamaica (۲۰۱۵). Livestock and Meat Products (Animal By-Products) Regulations, ۲۰۱۵, S.R. & O. No. ۲۸ of ۲۰۱۵. UNEP Law and Environment Assistance Platform (UNEP-LEAP).